بررسی زیبایی شناسانه ی اشعار عاشورایی فداپی مازندرانی از منظر آرایه های معنوی سنتی و نو ( ایهام، لف، و نشر، حس آمیزی، و پارادوکس)

فريدون اکبرى شلدره
سيد منصور فتوکيان

چکیده
جوهر هنر از جمله شعر، زیبایی است و علمای بلاغت، بديع را علم آرایش کلام مي دانند. مقاله در حاضر، اشعار فداپی مازندرانی (از برخی از سرایان عاشورایی،) را از منظر علم بديع آرایه نموده و لف و نشر و دو دوگانه (بدیع ستی) و حساسیت به پارادوکس (بدیع نو) مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. آرایه ی ایهام در اشعار فداپی، دارای بیشترین سبکی است و به دنبال آن ایهام تناسب دربرخی از اشعار مشاهده می شود. فداپی آرایه ی ایهام را در قالب عناصر، عاطفی با شناختی - دهی به صورت هرمندی به کار برده، از آن تأثیرات و مقام های موضوعی دارای اهمیت می باشد. کلید واژه ها: اشعار عاشورایی، ایهام، پارادوکس، حساسیت، زیبایی شناسی، فداپی مازندرانی، لف و نشر

Amphibology
Author and publication
.Synesthesia
.Paradox
adabestanakbari@yahoo.com

5- استادیار گروه زبان و ادب فارسی سازمان پژوهش و برناهه ریزی آموزش
6- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جالوس
مقدمه
میرزا محمود فداوی مازندرانی (۱۲۸۰ - ۱۳۰۰ ه. ق.) یکی از شاخص ترین شاعران و ادبیان توانمند امام کم تر شناخته شده ای است که کلیات سوگانه‌ای از با تزیک که هشت هزار بیت از بهترین آثار در زمینهی ادبیات عاشورایی است. مقاله‌های فداوی، به دو بهره بخشی می‌شود:

بهره‌ی نخست که بیش از جهار هزار بیت دارد و در قالب ترکب بند و در بحر مضارع مثنی اخرب مکفوف محدود سروده شده است. بهره‌ی دوم، شامل مراتب و نحوه‌هایی در قالب مستزاد، ترجیح بند، غزل، مثنوی و چند تقصیدی زیبای که وزن‌های فحشاگون دارد.

(فداوی مازندرانی، ۱۳۸۹، ۶۹)

محتوا و مضامین هر یک بهره بر فراز دیده‌ی عاشورایی استوار است. روح حماسي، تخلی قوی و تصاویر متون… ارتباط قوی اجزای موسیقی بیرونی و درونی در جای‌جای مقاله مشهود است.

برنجشی ترین ویژگی یکی زبان شعراً فداوی، تصویری بودن کلام وی است. همین عامل سبب شده است که شعر فداوی اثرگذار بر ذهن و مانندگار در آن باشد و با نار و پود جان و روان شنویده، در آمیزد. اگر معنا در دل شعر، رسوخ یابد و آن عبارات، ملکه‌ی زبان او شود…آن گونه شعر، چون جشنی ی زلال باشد که مداد از جویهی بزرگ و رودهای عمقی داردی (رازی، ۱۳۷۳، ۳۷۵)؟

در سروهای سروده‌ای عاشورایی فداوی تصاویر زلال شعری آنچنان با درون مايه‌ی مقاله، پیوند خورده است که مناظر شگفت و چشم اندازهای بسیار و صور خیال ناب عاشورایی را آفریده است (فداوی مازندرانی، ۱۳۸۹، ۶۷). اگر خوانندگانی ناگهان بین پیاده، درک بعضی از اشعار فداوی برای یی در شمار خواهید بود. در این مقاله، مثلاً عصر عصر (ایهام، پارادوکس، حس آمیزی و لف و نشر) از عناصر زبان‌ی کلام (از بدعی سنتی و نو) در اشعار وی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. دلیل ان انتخاب بر دو اصل استوار است: فراوانی و بسامد، جله‌ی هنری آن در زبان فداوی و شعر عاشورایی.
(1) بديع ستّنّی، که در این بخش از مبان آرایه‌ها و صنایع ادبی، آرایه‌های معنوی ایهام و
لطف و نشر بررسی گردید.
الف) ایهام: این بخش زیباترین محور آرایه‌های معنوی را در کلام شاعر جلوه گری می
نماید که نمونه‌هایی از آن را در این نوشته خواهیم دید.
ب) لطف و نشر: بسیاری از فراوانی که از لطف و نشر در اشعار فذابی به چشم می‌خورد توجه
برانگیز است که پاره‌ای از آن ها مورد تحلیل واقع شده است.
(2) بیدع نو: در این بخش آرایه‌های معنوی باراودکس و حکم‌پذیری بررسی شد.
الف) باراودکس: از بخش نخست (مقلت چهار نظام) و بخش دوم (مرنی و نوجه ها)
نمونه‌هایی از باراودکس‌های عاشورایی مورد بررسی قرار گرفت است.
ب) حکم‌پذیری: آن جانی که از نامش برهم یابد؛ نوعی آمیزش حواس به هم است که در
بخش اول و دوم (مقلت، نوجه ها و مرنی ها) مانند نظر قرار گرفت است.
پیشینهٔ تحقیق
در پیشینه‌ی مقلت پژوهی چنین که مربوط به مقلت منظوم فذابی مازندرانی باشد؛ بافت نشده
است. بنابراین صحیح این اثر نویسنده در جریان این پژوهش به چهارده سال‌اند به نام
"فذابی" برخوردار کرده، که چه یک شاعر مورد نظر را نیست (ص ۲۰)، اما آنکه از زبانی شیوا
و استوار به هرمهم بودن، تاکنون ناشناخته مانده است. به گونه‌ای که چه یک یک از زیستنامه
نویسندگان مفهرست‌برداران، از زمان قاجار به این سوی، پایدار از وی به مبان تجاوزه‌اند. شغل‌نامه که
 واضاقت خان هدایت طرستانی، ملقب به الله باشی (۱۴۸۸-۱۵۱۹) ق با آنکه همواره گزار
شعر بوده و نوشته‌های خود از وی یاد نکردیم است. تا آن‌جا که نویسنده‌ی این جستار
پژوهیده، نخستین جایی که از میرزا محمود پادرفته، نویسندگی ای با پیاده کرده در نویسنده‌ی ساروی
آقا محمد طاهری، ملخصی به شاهان است که با عنوان فذابی تلایکی مازندرانی در مجله‌ی
اعتماد به چاب رسیده است. (تک: مجله‌ی ارمنیان، دوره‌ی سیام، ش ۴ و ۵، ص ۲۰۰۴، ص ۲۰۰۵ سابقه)
(فذابی مازندرانی، ۱۳۸۹) ص ۳۵.
محمود فذابی، در حدود سال‌های ۱۲۰۰ ق در روستای تلاوکه از بخش پریم یا پریم


منطقه ی دودانگه از بخش های شهر ساری، دیده به جهان گشوده. تحصیلات اولیه ی خود را به همراه شیوه ی ستیک که در مکتب خانه ی قبیلی، زادگاه خود فراگرفت، سپس برای آموختن علم دینی به شهر ساری و از آنجا به قم رفت و حتی برخی از کشور هندوستان هم سفری و گذری داشته است. فداوی با خاندان فاجار، هموگار بود و در دوره ی حکومت فتحعلی شاه، محتشم و ناصرالدین شاه، زندگی می کرده است.

پس تا پیش از تحقیق و تصمیم نشخ طلی و چابه مقتل فداوی، تنها یک نوشته ی کوتاه (طاهری شهاب، ۱۳۴۱) به معرفی فداوی تلاوتی که در اینجا است. اما پس از انتشار بخش اول مقتل با عنوان دیوان فداوی در سال ۱۳۷۷، به طور پراکنده به این اثر و شاعر، توجه شده است. در سال های اخیر، یک رساله ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی با عنوان ساختار گزایی در دیوان فداوی مازندرانی (کاظمی، ۱۳۸۸) در دانشگاه الزهراء تهران انجام گرفته که آن هم از جهت موضوع کار، سننکت و تجاسی با نویسنده مقدمه و بررسی مقتل منظوم فداوی

فداوی شاعری است که قصاید عاشورایی اش جلوی او ویژه دارد و نویسنده و مترجم را در قالب های مختلف شعر سروده است. در اشعار او، قوی به ارتباط بین حیات و انسان، هنر، فلسفه و هنر گونه‌هایی که شبکه‌های متفاوتی می‌تواند، به کاملیت مقتدرانه، از عواطف لطیف را آشکار می‌سازد. به چشم می‌خورد. همین‌که توجه به وجود این ارتباطات هنری در بین کلمات است که جنبه‌های زیبافناخی کلام را مشخص و بررسی می‌کند و در خوانندگی احساس اذیت هری به وجوه می‌آورد (شمسی، ۱۳۸۳، ۱۱).

شعار، انگیزه و عواطف خود را بیشتر حول محور عاشورا و یاران امام به قلم می‌رانند. این شاخه ی ادبی فداوی تصاویری از افکار، اصول، ادیب و موسیقی ای است برای بیان افکاری که از لحاظ اجتماعی از اعتبار برخوردار می‌باشد؛ ادبیات تاریخ فکری و فرهنگی انسان را متنوع ساخته، افکار بیشترین را عتیق و تداوم می‌بخشد (گریس، ۱۳۸۱، ۱۰۹) به سبب پیوستگی
فکر با جهان اثر، همه ی تصاویر شعری فداپی، رنگ و آهنگ مشترک برجو دارند و بیانگر تجربه‌ی درونی شاعر هستند. زیرا هر تجربه‌ی شعری حاشیه ای با اندازه‌ای یا خیالی است... همچنین تجربه ای از تجربه‌های انسانی بی تناش و تصرف نیروی خیال، ارزش هنری و شعری بی‌جا نخواهد کرد. و هر حادثه‌ای هنگامی موضوع شعر است که از شهود حسی و خیال شعری آسان شاعر رنگ پذیرفته باشد، (نشیمی کد کنی، ۱۳۸۶، صفحه ۲۷ و ۲۸). اینک نمونه‌هایی از ایهام را که بیانگر تجربه‌های عاطفی و مختصر سراپرده است، بورسی می‌کنیم.

در تشته بی اهل حرم و عاشورایان گویید:

<table>
<thead>
<tr>
<th>چون اشهب رمیده ز میدان کارزار (فداپی مازندرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۸)</th>
<th>لزان به هر طرف نگران چشم آفتاناب</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نگران (۱) نگرانی و مضطردبودن نگران نگران نگران، نگاه کردن، نگاه ان</td>
<td>۲) نگریستن، نگاه کردن، نگاه ان</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در مصائب حركت در مصائب حرکت کاروان اسرا با بهره‌گیری از آراوهی‌ی سوال و جواب و تشبیهی تلمیح گونه در مصداق دوم که یادآور خرابه‌های شام و ناهم‌های بی کسان است، می‌گوید:

<table>
<thead>
<tr>
<th>کفتا: به خانه ای چو دل بی کسان خراب (همان، ۲۱۷)</th>
<th>برگو کجاست منزل و ماورتانه به شام؟</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱) هنگام شام، شرب (زمان) شام (ایهام دارد) ۲) سرزمین شام (مکان)</td>
<td>۲) سرزمین شام (مکان)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در حركت امام به سوی کربلا آنگالا که صحنه‌ی عشق بازی با نام حسین (ع) است با الهام از ایهام نسان زبان، کوش نواز و چشم نوازی می‌آفریند:

<table>
<thead>
<tr>
<th>با کچک و زرگه ز یزرب سفر نمود (همان، ۲۲۶)</th>
<th>از شور او حسین حزازی سوی عراق</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱) هنگام شام، شرب (زمان) شام (ایهام دارد) ۲) سرزمین شام (مکان)</td>
<td>۲) سرزمین شام (مکان)</td>
</tr>
</tbody>
</table>
به زیبایی و تناسب وازگان در بیت فوق نگرید: از نظر قلمرو و جغرافیایی: (حجاز - عراق
یبرب) و نیز مقام های موسيقی: (شور،حسنی،حجاز،عراق،بزرگ) به زیبایی های ایهام
gونه ی وازگان در بیت بالا، وازه ی نام آن، هم افزوده است که در دو معنی ی،شور و هیجان
2- در ارتباط با مقام های موسيقی، نام نام پیکی از هفت دستگاه موسيقی می باشد.
(سناشگر، ۱۳۷۵، ۲۷)
در سوزانکی و حزن عصر عاشورا می گوید:
<table>
<thead>
<tr>
<th>در فنلیه ز دیبن مهای دشتکان</th>
<th>در گنگه ز دیبن مهای دشتکان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>(فداپی مازندرانی، ۱۳۷۵)</td>
<td>(فداپی مازندرانی، ۱۳۷۵)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۱- تنها بودن، گربه‌ای و پی کس بودن
۲- جسمی - بدنی - تن
در عظیم مقام حسین (ع) با بهره‌گیری از حسن تعلیم و مراعات نظری:
<table>
<thead>
<tr>
<th>پرانه شد به شمع مزار تو جبرانل</th>
<th>پرانه شد به شمع مزار تو جبرانل</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>زیرا که داشت بال و پری در هوا تو</td>
<td>همان (۲۶ همان، ۱۳۸۹)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۱- حجامداری - هواداری (حمايت)
۲- آسانی- هوا
در عظیم مقام حسین (ع) ضمن تملیح و ایهام تناسب دریت:
<table>
<thead>
<tr>
<th>هست ای عزیز، پوسف مصر وفا حسین</th>
<th>هست ای عزیز، پوسف مصر وفا حسین</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>اورا هه نام آبشور خریدن چه فایده؟</td>
<td>همان (۱۳۸۷ همان)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۱- عزیز و ارجمند (دست نیافتنی، نادر)
۲- عزیز مصر (منصب و چابگاهی در مصر
در عظیم مقام امام حسین (ع):
<table>
<thead>
<tr>
<th>باش دند نهزار شرف بر هزار جان</th>
<th>باش دند نهزار شرف بر هزار جان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>(همان، ۱۳۸۷)</td>
<td>(همان، ۱۳۸۷)</td>
</tr>
</tbody>
</table>
در مصائب اسیری و بیماری امام سجاد (ع):

<table>
<thead>
<tr>
<th>نشانه‌که بود سلسله‌ی دین از اوبیا</th>
<th>زنجبیل علیه گرفتن و بندش به یا نشست (همان، ۳۰۱)</th>
</tr>
</thead>
</table>

در صحنه‌ی به میدان رفتند علی اکبر (ع): با استفاده از تغییر مناسب و مراعات نظر، می‌گوید:

<table>
<thead>
<tr>
<th>از قفا شگردن گفت چوب بیوس فروش</th>
<th>شد حاوی عقیده حسین زار و نواگرتنشته (همان، ۳۲۶)</th>
</tr>
</thead>
</table>

در زیبایی ایثار و وفاداری سالی تشکیل‌گذار: از سایر زیبایی‌های این بیت صرف نظر می‌گردد و با خواندن چند باره‌ی بیت به عظمت مقام ایبی الفضل می‌رسیم و اویکه چرا پس از شهادت، امام حسین فرودند: آلان ان‌کیس‌تله‌ری و فَقْلْتُ هیلیئی (نظری منفرد، ۱۳۷۸)؛ نقل از بحارالانوار.

مشکل به دوش از عقاب آب رفت، اثبات فشان لیجه‌ی سیماب رفت

(فدایی مازندرانی، ۱۳۸۹، ۴۱۲)
در رفتار قاسم بن حسن (ع) به میدان چنگچ: 

| گفته‌ها و خصوصیات آن دم زخون دل، خضاب آمد (همان، 1445) | ۱-از نظر درخشندگان (رنگ آقات) |
| ۲-از تشخیص زیاد و زرد شدن روی |

از دیگر ترفند‌های زیباکاری در کلام لف و نشر است که در اصطلاح فن بندی مخونی آن است که ابتدا چندین زا در کلام بیاورند، آنها چنین امر دیگر از قبل صفات یا افعال بیاورند که هر کدام از آن ها به یکی از آن جیزها راجع و مربوط باشد. آگر نشرها به ترتیباً گرافتن لف‌ها باشد، مرتب‌نامیده می‌شود و آگر چنین ناشناخته است، »همایه«، (سه‌وچهارمین، ۱۳۶۶).

موسیقی معنوی که از لف و نشر حاصل می‌شود، به دلیل تلاش ذهن برای یافتن ارتباط میان لف‌ها و نشرها است، این کشف معنوی بیوند عناصر سخن بندی ذوقی خواننده را بر می‌انگیزند.

در لف و نشر معمولاً معنی به پیش اول نامام است و نیازمند دنباله‌ای مطلب بایارا باید شونده کنجکاوی می‌شود و منتظر دنباله‌ی مطلب است. در بخش دوم، با آمدن دنباله‌ی مطلب انتظار بردوره می‌شود و شادی آور و زیبایت »وحیدیان کامبار، ۱۳۸۵، ۷۵۵«

در اشعار فدایی مازندرانی بهره‌گیری شعر از لف و نشر به زیبا کلیه می‌نماید و نظمی که از جهت قرینه سازی اجرا به وجود می‌آورد با تالیف ذهنی و درایاتی که صورت می‌گیرد، دلنشین می‌گردد که لف و نشر مرتب نسبت به لف و نشر ظوشت چشم‌گیرتر است و بسیار فراوان تری را شامل می‌شود. در ادامه، با ذکر نمونه‌هایی از لف و نشر اشعار فدایی مازندرانی که رنگ و بور عاشورایی دارد همراه با مواردی از زیباکاری هنری آن می‌پردازم.
تصویر با الهام از، لف و نشر مرتبت حزن و اندوه را در عصر عاشورا (همگان را به یاد
تابلوی استاد فرشچریان از ظهر عاشورا می‌اندازد) نمودار می سازد که بیانگر زبان تصویری
شاعر می‌باشد.

تابلوی فوق شهادت اباعبدالله را با بهره گیری از لف و نشر مرتبت نشان می دهد.

تابلویی که از جهت زیبایشانی برجسته و توجیه برانگیز است و شاعر هم‌رددی در مناتم
سالار شهیدان را با بهره گیری از لف و نشر مرتبت پدیدآورده است.

آن این و آپ ز خنجر و از اره ی دو سر

(همان، ۱۸۹۴)
زبیبی تابلوی فوق با بهره گیری از لف و نشر مشوی شهادت مفهومانه ی مولوی علی (ع) و سیدالشهدا را (از جهت شاهت) به خاطر می آورد.

<table>
<thead>
<tr>
<th>بیشته، یک بخش خون و آن به آب (همان: ۲۰۷)</th>
<th>خنجکی، حنجرش، نشته هر یک بی حساب</th>
</tr>
</thead>
</table>

موسیقی عم انگریزی از این تفایش و از گیاه بریمی خیزد: از یک سو تشنجی انقام، از دیگر سو، تشنجی به آب هک با بهره گیری از لف و نشر مرتب، دل را به تقلیل‌های عاشورا پیوند می‌زند.

<table>
<thead>
<tr>
<th>اشفک و آه، این به ماهی آن به ماه (همان: ۲۳۷)</th>
<th>از دل و از چشم اهل خیمه رفت از خیمه گاه</th>
</tr>
</thead>
</table>

بعد از شهادت امام و پارانش، آمیزه که از دل اهل خیمه بریمی خیزد و به بالاترین نقطه می‌رود و اشفکی که از چشم می‌ریزد و به پایین تیرن نقطه می‌رسد در نگاه شاعر با بهره گیری از لف و نشر، این تابلو به زبیبی و هنرمندانه ترسیم شده است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>گناه آپ، در بیت:</th>
<th>شد در جهان حسین حسین را جغیر کباب (همان: ۱۵۵)</th>
</tr>
</thead>
</table>

زبیبی تابلوهای یک در هنر آفرینی شاعر از وژه‌ی «آب» می بینم که ما به ی حیات بود برای امام حسین (ع) و ما به ی ممات شد برای امام حسین (ع) و در یکی دیگر به همیش مضمون سروده:

| بهر حسین پزار که آتش در آتش است (همان: ۲۸۸) | بهر حسین پنال که آتش در آب است |
این هم از پوالعجایب روزگار است، سری که بر سر سروران جهان سروری داشت باپسی بر خاستن تنور بخواهد و خویل فرومایه بر باشین ناز بخواهد. زیبایی قریه سازی در این لف و نشر مرتب تظالم زیبا ساخته که شاعر هرمندیه آن را نمايش در آورده است.

جِدّا از موسيقي و سمح و تكرار و ساير زيبايي ها اگر از ديدگاه لف و نشر به نقلوي فوق بگريم، پس از گذار سالها، تكرار عاشورا و پيودن دل با کرب و بل و آمدن محرّم، شور حسیني را نمودار مي سازد.

یکي از عناصر زيبايي كلام پارادوکس است كه ازترندهاي بسيار مهم درشعروادبي مي باشد، پارادوکس عقيدة و بيانی است که با عقاید موردنامه ود هدایت دارد و در اصطلاح، كلامی است که در ظاهر هاوي مفهومی متناقض است، به طوری که در نگاه اول برج و بي معنی به نظر مي آيید؛ اما در پشت معنی برج ظاهري آن حقيقیت م féته است و همان متناقض ظاهري جمله، باعث توجه شونده یا خواننده و كشف مفهوم زيبایي پنهان در آن مي شود (میرصادفقی، 1385، 64).

تصوير پارادوکسی، تازه و غربی و خلاف عادت است. متناقض نما سخنی است غافلگیری کنندگی و زیبای بخلاف روال عادی و منطق زبانی است. عوامل ایجاد کننده متناقض نمايي دو گونه ی لفظی و معنایي اند (وجديان کاميار، 1385، 85).

فداي ايزاندناتى، برای پيام محترم و انديشه های خاص از پارادوکس، آگاهانه استفاده كرده.
این ترفندهای را برای ایجاد یکی از آشیانه‌های زبان‌نویسی که کلام را شکست و انگیزه‌های برجسته‌تری در آن قرار داده‌ایم، می‌تواند به دست آید. در اینجا، به کمک پارادوکس، تصاویر بینالودی آقای‌های است.

### یپمان شکنی کوویان در تصویرسازی عاشورایی عهد استرست سخت دلان

<table>
<thead>
<tr>
<th>از هدایت‌های کار خیبر نابه‌بند مبتلا (فداکی مازندرانی، ۱۳۸۹)</th>
<th>از هدایت‌های سخت دلان داشت شها (به نسخه‌ی اسکاندیناوی‌ای)</th>
</tr>
</thead>
</table>

### هم‌ارضی و هم‌مهم‌الی در تصویرنگاریان در تصویر منافقین، برم عزای دریست زیر که به صورت ترکیبی برگرفته از عناصر عشقی است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>برم عزای خسرو دین‌پرور است یا این (همان، ۱۳۸۲)</th>
<th>ای‌دل به سان شمع پسوزه‌ه غم بساز (به نسخه‌ی اسکاندیناوی‌ای)</th>
</tr>
</thead>
</table>

### در شنای حسین (ع)

<table>
<thead>
<tr>
<th>بیوشن علام بوسف کهعان کرلیست (همان، ۱۳۱۱)</th>
<th>باشید عزیز مصادر می‌خواهم ذلیل عزیز او (به نسخه‌ی اسکاندیناوی‌ای)</th>
</tr>
</thead>
</table>

ازسایر زیبایی‌های بی‌شوق (که خارج از حرفین مقاله‌ای است) اگر گذشته‌هم، ذلیل عزیز ترکیبی زبان‌نواز از امور عقیلی می‌باشد که برجسته‌گیری شناسانه‌ی زبان فداکی و تأییدی برزبان تصویر اوست.

<table>
<thead>
<tr>
<th>که عیان دید در آن مرگ مصور تنه‌ه (همان، ۱۳۷۲)</th>
<th>مهرب بی مهر چنان ناپنا به جار آینه اش (به نسخه‌ی اسکاندیناوی‌ای)</th>
</tr>
</thead>
</table>

داغ این سوگا را شاعر بر پیشانی همه ی پدیده‌ها به چشم دل می‌بیند و زبور سخن را متوجه پارادوکسی اینکه می‌ناماند: مهر بی مهر ۰.

در مصیبت حضرت زینب:

<table>
<thead>
<tr>
<th>دل فگار، شد چه بر اشتر سوار (همان، ۱۳۳۶)</th>
<th>زینت برم عزرا زینب، به چشم اشکاک (به نسخه‌ی اسکاندیناوی‌ای)</th>
</tr>
</thead>
</table>
تصمیم پادوکسی از وقایع بعد از عاشورا و آغاز رسالت پیام رسانی نهضت عاشورا به
وسله ی حضرت زینب (س) که با تعبیری هنرمندانه آورده شده : زینب ؛ یز معزائ
- زیبا تقی در خالی شدن آب از وفاداری عباس همراه با متناقض «خالی پر»

فیضت آن می‌گذرد، تا نیز در واقعیت بدان‌گر
بازویه شاه شته لب، سیراب ی بی‌آبیه همی
(هیمان، ۴۵۹)

در سیراب ی بی‌آبیه همینشیبی اتفاق افتاده و زیبا تقی این پادوکس حال و هوای دل
را به شدت عطش و بی آبی عاشوراییان بی‌پای می‌زند.

در سنگین دلی دشمن:

این سعد شوم ابیز از ره کیم بار دیگر

منومندی از دیگری از متناقض تا بده هیچ چرخ و بسط مرور می‌کنم.

واج دلخواه تو برخداه نارسا را

ای رحمت تو در حقیقت هرچارا روا

وزاشکه ناب کن قند دیده برسمی
در بزم همبانال دلا بر نوای نی
(هیمان، ۳۱۵)
از جشن‌های سارچشم، دل مورد شده ساز
(هیمان، ۳۲۳)

نمونه ی خیره‌الهایی از هر ساخت و آرایش سخن مرتب با آراوه (ترنفوذ) پادوکس در
اشعار عاشورایی فداکاری می‌باشد.
آخرين عنصر زيبايبی سخن و شگرد هنری مورد بررسی در اشعار فدلایی مازندرانی، حس‌امیزی است. حس‌امیزی عبارت است از توصیفی که در زبان از رهگذر آمیختن دو حس به یکدیگر ایجاد می‌شود (شفیعی کدکی، 1370، 15) و یکی از وجوه برخی از ایادی مبانی از رهگذر صور خیال است که نیروی تخیل در جهت توسعت یلغات و تعریفات مربوط به یک حس انجام می‌دهد (شفیعی کدکی، 1386، 21) اگرچه برخی حس‌امیزی را از مباحث حوزه ی بیان و انواع ماجز دانسته اند اما به نظر می‌رسد که از دیدگاه دیگر جزئی مباحث بسیار نو، هم می‌تواند باشد. حس‌امیزی (Synaesthesia) یکی از مباحث فن بیان و از انواع مجاز است و آن نسبت دادن محسوسات یکی از حواس به نهایی است به حسی دیگر حس‌امیزی محدود به آمیختن ادراکات حواس مختلف با یکدیگر نیست بلکه شامل حواس باطنی و امور انزاعی و استناد دادن مفاهیم حواس ظاهری به این روش می‌شود مثل عقل سرخ حس‌امیزی یکی از راه‌های ایجاد موسیقی معنوی در شعر است (میرصافی، 1385، 93).

فدلایی مازندرانی از ترفندهای خاصی برای بیان اندیشه‌ها، عقاید و احساسات ویژه‌ی شاعرانه‌ی خود به عنوان نمایشی در جهت ایجاد روابط هنری و موسیقی معنوی میان وازگان سود جسته است. حس‌امیزی در اشعار وی با سیام و حضور متوسط؛ به دو شیوه بی کار گرفته شده است.
الف) موازدتی از حس‌آهاری که در آن، یکی از عنصری با تعابیر مربوط به حواس پنجگانه به
یکی از عنصری با تعابیر مرتبه با حواس ظاهری به صورت اضافی و یا در قالب گزاره نسبت
دارده می‌شد (حس ظاهری به حس ظاهری).
ب) موازدتی که عنصر و تعابیر مربوط به یک حس ظاهری به موارد انتزاعی و مجرد نسبت
دارده می‌شد. این نوع حس‌آهاری نسبت به موارد دیگر، اهمیت هنری کمتری دارد. ترکیب
هایی از قبیل "رنگ عشق" یا "تلخی فراق" یا "تلخی زندگی" به قدری طبیعی جلوه می‌کند که
حس‌آهاری در آنها از نظر پنهان می‌ماند؛ اما نمونه‌هایی از حس‌آهاری اشعار فندی با رنگ و
بوی عاشورایی.

<table>
<thead>
<tr>
<th>بمسود تلخ زندگی مادر آه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>از بهر شهر شیرین لقای تو</td>
</tr>
</tbody>
</table>

<table>
<thead>
<tr>
<th>شد از خم کمان ستم، نبر کبنه راست</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>بر حلق خشک اصغر شیرین لقایشان</td>
</tr>
<tr>
<td>(همان، 218)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

در بیت فوق، شاعر عموی ابگلیان، از بیانات اشعار و زبان‌داری اعلام می‌نماید و در عاشورا را به
مخاطب خودش انتقال می‌دهد.

- هم حسی باهم هجران پدر در بیت:

<table>
<thead>
<tr>
<th>از جام جان رهای اجل زهر ناگوار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>از تلخی فراق پدر عاقبت چشید</td>
</tr>
<tr>
<td>(همان، 286)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

- ناسیبی وحق ناشنادی درباقلی کاروان اسرا در بیت:

<table>
<thead>
<tr>
<th>ساربان بی وفسایم آن سراوار ژرک</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>شور چشمی می نماید با همه حقی نمک</td>
</tr>
<tr>
<td>(همان، 390)</td>
</tr>
</tbody>
</table>

- پایه‌سنده برمظومیت سیدالشهداء در بیت:

<table>
<thead>
<tr>
<th>می خهیم گروهان شد و با دو چشم تر شد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>شه دین گرفت در بیت ن او جو چون شیرین</td>
</tr>
<tr>
<td>(همان، 444)</td>
</tr>
</tbody>
</table>
پاد اباعبدالله هرگزخاموش نمی‌ماند باشته در دویست زیر:

| یا دم کنند چون که بنوشند آب سرد (همان، ۲۳۲) | برگو به دوستان من این حرف پر ز درد گلشن زنف آه که شد همسر گلخن | نیلی شده چون چهره ی سیبی رخ سوسرن (همان، ۲۵۱) |
نتایج مقاله

توان شعری و قدرت ناب شاعری و جوهره ی هر شعر را باید در تصاویر هنری و خیال انگیز آن بی چوبی کرد. زیبان شعری فدايی، زبانی کاملاً تصویری است. یعنی از نظر تحلیل شعری و تصویرسازی های هنرمندانه، نگاره‌ها و تابلوهای بسیار به کمک وازگان، خلق کرد. رویکرد کلی و چهار نگری و بنیاد فکری و نگرش فداپ در تیپین و گزارش واقعی ی کربلا، نگاهی رتایی و سوگوارانه است. در این جستار با بررسی ابتدایی از مقتل منظوم دریایی‌که به عنوان یکی از عناصر زیباپی سخن در شعر فداپی بسیار قابل توجهی دارد و با حوزه‌های گوناگون اعماز از عناصر طبیعی، دینی، مقام‌های موسیقی و افکار و انديشه‌های شاعر، پیوند یافته است.

از دیگر عناصر زیباپی شناسی لفظ و نثر می‌باشد که با سامس بالایی در اشعار فداپی به نمایش در آمده و تابلوقی با نقاشی وازگان پدیدار گردیده است که در آن میان، لفظ و نثر مرتب درصد بالاتری نسبت به نوع مسئول دارد و بن مایع عاشورایی آن زیباپی نگاره‌ها را چشم نوازتر می‌کند. فداپی از پارادوکس و حساسیتی هم با ماهوت بهره‌گرفته و نگاره‌های زیبا و شگفت از روز واقعه آفریده است. پارادوکس ها و حساسیت ها در فضای ادبیات عاشورایی ضمن رنگ و بنی دشت کربلا، زیباپی مطبوعی را که سرشار از راز و رمزجاوادی است در گوش زمان می‌پیچاند و درک عمیق تری از واقعه را به خواننده‌لقا می‌کند و این مانند و غم تلخ را به حسن شیرین زنده نگهدارشان نهضت مبادل می‌سازند؟ آن چنان که خود گوید:
کتابشناسی
رازی، شمس الدین محمد بن قیس. (۱۳۷۳). المعجم في معايب انحرار العجم، چاب اول، تهران: انتشارات فردوس.


شفیعی کدکنی، محمدضا. (۱۳۷۶). موسیقی شعر، چاب سوم، تهران: انتشارات آگاه.

همو. (۱۳۸۴). صور خیال در ایران، چاب چهارم، تهران: انتشارات آگاه.

شمس، سیروز. (۱۳۷۳). تکامل کرده به بیشتر، چاب اول، تهران: انتشارات فردوس.

طاهری شهباز، محمد. (۱۳۷۱). درون‌گرفتن اมะ، مجله ادبی ارمنیان دورده سیام، ش ۴ و ۵، ص ۲۰۸-۲۰۴.

فدایی مازندرانی، میرزاحمود. (۱۳۷۷). دیوان فداپور. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات فردودن اکبری شلدره، چاب اول، تهران: انتشارات اسوه.

همو (۱۳۸۹). مقالات بیاناتی، تحقیق و تصحیح فردودن اکبری شلدره، چاب دوم، تهران: انتشارات فردود.

فرمانی، محمدی. (۱۳۷۷). مشایخ ادبیات در دیوان فداپور مازندرانی، (رسالتی کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه الزهراء.

گریس، ویلیام جی. (۱۳۸۱). ادبیات و پژوهش در ادبیات خیال، چاب اول، تبریز: انتشارات خوروز.

میرصادقی، میثم. (۱۳۸۵). وازن نامه کلاسیک، چاب سوم، تهران: نشر کتاب مهناز.

نظری مفردو، علی. (۱۳۸۶). واقعیت در کلیه، چاب چهارم، تهران: انتشارات جهان یکMAL


همایی، جلال الدین. (۱۳۷۷). فارسی، ادبیات و ادبای ادبیات، چاب چهارم، تهران: موسسه ی نشر هما.